

طرف‌های درگیر در اوکراین با تغییر الگوهای جنگی خود رویکرد تهاجمی تری اتخاذ کردند
بلومبرگ: پوتین دستور تشدید حملات به بخش انرژی اوکراین را صادر کرد

اروپا در جنگ شعله‌ور



صفحه ۷

عکس
Gettyimages

پاسخ به یک نگاه واپس‌گرا

آقای کرباسچی! ما در دهه ۶۰ نیستیم

ساختن اجماع میان ذی‌نفعان و برای روایت‌سازی همزمان با اجرا، در این چارچوب، رئیس‌جمهور اگر خواهان «تام نیک» است، باید معمار هماهنگی باشد. باید بتواند دولت را به دستگاهی یادگیرنده تبدیل کند. باید بتواند حلقه‌های مجلس، قوه‌قضائیه، نیروهای مسلح، بخش خصوصی و نهادهای مدنی را در مدار سیاست‌های کلی همسو کند. این کار دشوارتر از گرفتن اختیار کامل است اما پایدارتر و کم‌هزینه‌تر است. ژرفای نهادمندی در جمهوری اسلامی تنها در متن قانون اساسی یا سازوکار شوراها نیست، در تجربه زیسته ۴ دهه است. از مدیریت بحران‌های امنیتی و اقتصادی تا سازوکارهای بازتوزیع حمایت اجتماعی، از الگوی بسنج اجتماعی تا حرفه‌ای‌سازی دفاع، یک منطق تکرارشونده دیده می‌شود. قدرت در مدارهای متعدد توزیع و از طریق قواعد و روال‌ها هم‌افزا می‌شود. این منطق، خطای قهرمان‌سازی را به صورت ساختاری تصحیح می‌کند. در این نظم، رهبری نقش راهبری کلان را ایفا می‌کنند. سیاست‌های کلی افق را روشن می‌کند. شوراها تصمیم را می‌پزند. دولت اجرا را می‌چیند. مجلس نظارت و قانون‌گذاری را تکمیل می‌کند. نهادهای تخصصی پیوست‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را می‌بافند. نتیجه، قابلیت جمعی است.

جمهوری اسلامی طی یک فرآیند طولانی، نهادمند شده است. این نهادمندی، بنیان تاب‌آوری امروز است و باید تقویت شود. رئیس‌جمهور اگر می‌خواهد تعهدات خود را محقق کند و نامی نیک در تاریخ بگذارد، راهش از دل همین معماری می‌گذرد؛ یعنی ترجمه سیاست‌های کلی به برنامه‌های اجرایی دقیق؛ یعنی اجماع‌سازی در شورای عالی امنیت ملی و اتصال آن به برنامه‌ریزی دولت؛ یعنی شفافیت و پاسخگویی به مجلس و جامعه؛ یعنی دیپلماسی چندسطحی و پیوستگی روایت؛ یعنی مدیریت شبکه‌ای تهدیدها و فرصت‌ها. بداند که حکم ساده‌ای وجود ندارد که با یک امضا همه قفل‌ها را بگشاید. آنچه می‌گشاید، کیفیت طراحی نهادی و استقامت در اجرای آن است. عقلانیت امروز جمهوری اسلامی، در همین نهادمندی است. هر دعوتی که نهادها را دور بزند یا با ژست‌های قهرمانانه جایگزین کند، حتی اگر نیت خیر داشته باشد، به تضعیف قابلیت جمعی می‌انجامد. پاسخ مسؤواله به شرایط پیچیده امروز، بازگشت به متن همین قابلیت و سرمایه‌گذاری بر هماهنگی است. این پاسخ کمتر هیجان دارد اما بیشتر نتیجه می‌دهد و با روح جمهوری اسلامی که از ابتدا بر جمع‌گرایی نهادی و هدایت کلان استوار شده، سازگارتر است.

از قهرمان، به کارگزار مسؤول و پاسخگو نیاز دارد. دستگاه‌های نهادی امروز ابزارهای پاسخگویی دارند و افکار عمومی ابزارهای سنجش. همنوایی با این منطق، ظرفیت اعتماد را می‌افزاید. ژست قهرمانانه اگر به نتیجه نرسد، به سرخوردگی و بی‌اعتمادی نهادی می‌انجامد. تقلیل سفر نیویورک به تریبون رفتن و رونویسی از سنت سال‌های قبل، بی‌اعتنایی به کارکرد دیپلماسی چندسطحی است. مجمع عمومی سازمان ملل، گره‌گاه ده‌ها دیدار دوجانبه و چندجانبه، آزمون‌گاه پیام‌های سنجیده برای مخاطبان متنوع و سکوی هماهنگ‌سازی با نهادهای تخصصی بین‌المللی است. در شرایطی که پرونده‌های مالی، فناوریانه، انرژی، حمل‌ونقل و امنیتی به طور همزمان باز است، غیبت یعنی واگذاری زمین روایت و شبکه تماس‌ها به رقیب. واگذاری بودن در این میدان به «پیوستگی حرفه‌ای» وابسته است. رئیس‌جمهور قوی، دستور کار منسجم می‌برد، با تیم تخصصی هماهنگ می‌رود، پیام واحد و چندزبانه ارائه می‌کند و بازگشت او با بسته پیگیری نهادی در دولت و مجلس گره می‌خورد. این همان دیپلماسی نهادمحور است که در نسبت با سیاست‌های کلی تعریف می‌شود.

■ این دولت هم همان دولت نیست

جامعه سیاست‌گذاری امروز از دولت اراده‌محور عبور کرده است. معیار موفقیت، قابلیت حکمرانی است. قابلیت یعنی توان دولت برای تبدیل سیاست کلی به برنامه اجرایی، برای هم‌افزایی بین دستگاه‌ها، برای تولید داده و استفاده از آن، برای

و به کار افتادن مؤثر آنها نیازمند هماهنگی و پیگیری است، نه «اختیار کامل» فراسازمانی. پنجم در سطح اجتماع و رسانه؛ جامعه امروز نمایندگان رهبری، محل صورت‌بندی تصمیم‌های کشنگری اجتماعی، شبکه‌ای و سریع است. از این رو کارآمدی تصمیم، به کیفیت روایت و پیوست ارتباطی آن گره می‌خورد. نهادمندی در عصر شبکه یعنی همزمانی تصمیم و روایت. این نسبت باید توانمندتر در اجماع‌سازی باشد، نه آنکه برای «اختیار کامل» بیرون از این مدار چانه‌زنی کند.

سوم در سطح سازمانی؛ ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه ارتش، وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای تخصصی طی سال‌ها حرفه‌ای‌تر شده‌اند. مجموعه تصمیم‌های امنیت ملی امروز با داده‌های دقیق، برآوردهای سناریویی و پیوست‌های زیست‌بومی و اقتصادی همراه است. نسبت تصمیم به میدان، نسبت شبکه‌ای و بازخوردی است، نه دستور یکطرفه. وزن این شبکه تصمیم‌یار، محصول سرمایه‌گذاری بلندمدت نهادی است و با دستور گرفتن یک فرد جایگزین نمی‌شود.

چهارم در سطح سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی؛ شبکه شورا‌های عالی و نهادهای تنظیم‌گر از شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی تا شورای پول و اعتبار و شورای عالی اشتغال، سطوح مختلف تنظیم را پوشش می‌دهند. سازمان برنامه و بودجه، دیوان محاسبات، مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های نظارتی، چرخه سیاست‌گذاری را از طراحی تا ارزیابی رصد می‌کنند.

این سازوکارها برای روزهای سخت طراحی شده‌اند و همه ابعاد ماجرا تشریح شود.

۱- چه دیداری انجام شود چه نشود، بالاخره باید طرفین روی یک یا یکسری موضوعات مذاکره و توافق کنند. این مذاکره با توافق احتمالی، چه فرقی با مذاکرات عراقچی و ویتکاف دارد؟ آقای کرباسچی یا نمی‌داند متفاوتی مذاکرات عراقچی و ویتکاف چه بوده

دوم در سطح حکمرانی امنیت ملی؛ شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، با حضور سایر رؤسای قوا، مقامات عالی نظامی و امنیتی و نمایندگان رهبری، محل صورت‌بندی تصمیم‌های راهبردی است. تصمیم‌ها پس از تأیید رهبری لازم‌الاجرا می‌شود. این الگو به جای قهرمان‌سازی فردی، اجماع‌سازی نهادی را تقویت می‌کند. در چنین معماری‌ای، رئیس‌جمهور هرچه قوی‌تر باشد، باید توانمندتر در اجماع‌سازی باشد، نه آنکه برای «اختیار کامل» بیرون از این مدار چانه‌زنی کند.

سوم در سطح سازمانی؛ ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه ارتش، وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای تخصصی طی سال‌ها حرفه‌ای‌تر شده‌اند. مجموعه تصمیم‌های امنیت ملی امروز با داده‌های دقیق، برآوردهای سناریویی و پیوست‌های زیست‌بومی و اقتصادی همراه است. نسبت تصمیم به میدان، نسبت شبکه‌ای و بازخوردی است، نه دستور یکطرفه. وزن این شبکه تصمیم‌یار، محصول سرمایه‌گذاری بلندمدت نهادی است و با دستور گرفتن یک فرد جایگزین نمی‌شود.

چهارم در سطح سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی؛ شبکه شورا‌های عالی و نهادهای تنظیم‌گر از شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی تا شورای پول و اعتبار و شورای عالی اشتغال، سطوح مختلف تنظیم را پوشش می‌دهند. سازمان برنامه و بودجه، دیوان محاسبات، مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های نظارتی، چرخه سیاست‌گذاری را از طراحی تا ارزیابی رصد می‌کنند.

این سازوکارها برای روزهای سخت طراحی شده‌اند و همه ابعاد ماجرا تشریح شود.

۱- چه دیداری انجام شود چه نشود، بالاخره باید طرفین روی یک یا یکسری موضوعات مذاکره و توافق کنند. این مذاکره با توافق احتمالی، چه فرقی با مذاکرات عراقچی و ویتکاف دارد؟ آقای کرباسچی یا نمی‌داند متفاوتی مذاکرات عراقچی و ویتکاف چه بوده

یادداشت ایلیا داودی

اظهارات اخیر غلامحسین کرباسچی درباره لزوم ایفای نقش هاشمی در پایان جنگ از سوی آقای پزشکیان و گرفتن اختیار کامل از رهبری و رفتن با همان اختیار به نیویورک، ۲ پیش‌فرض محوری دارد: نخست آنکه شرایط امروز را بدتر از سال ۶۷ می‌داند و دوم، راه‌حل را در تکرار الگوی پایان جنگ و کسب اختیار کامل از رهبری می‌بیند. هر ۲ پیش‌فرض، اگر از منظر نهادمندی جمهوری اسلامی و تفاوت نسخه ساختار سیاسی و اجتماعی امروز با دهه ۶۰ بررسی شود، محل مناقشه جدی است. در پاسخ به ایشان باید گفت قیاس امروز با سال ۶۷ مع‌الافارق است، جمهوری اسلامی اکنون به معماری نهادی چندلایه و سازوکارهای تقسیم کار حقوق اساسی و امنیت ملی متکی است و موفقیت رئیس‌جمهور در این چارچوب نه از مسیر تمرکز شخصی اختیار، بلکه از راه ترجمه سیاست‌های کلی به برنامه اجرایی، اجماع‌سازی در شورای عالی امنیت ملی، پیگیری منسجم در دولت و تعامل پاسخگو با مجلس و افکار عمومی حاصل می‌شود.

■ نسخه‌های دیروز را رها کنید!

سال ۶۷ پایان یک جنگ تمام‌عیار بود. تهدید، متعارف و مستقیم بود. اقتصاد، جنگی و بسیج‌محور بود. مرکز ثقل تصمیم، به ضرورت میدان نبرد و سلسله‌مراتب نظامی نزدیک بود. امروز تهدیدها عمدتاً هیبریدی و شبکه‌ای است. تحریم‌های هوشمند، جنگ روایت‌ها، نبرد سایبری، فشارهای مالی و تنظیمات زنجیره تأمین جهانی، طیف تهدید را از میدان سخت به لایه‌های نرم و نیمه‌سخت منتقل کرده است. مقایسه خطی و صرفاً شدت‌محور، نوع تهدید را نادیده می‌گیرد و نسخه خطا تجویز می‌کند. اگر در جنگ ۸ ساله چگالی تصمیم در نقطه‌ای واحد متمرکز می‌شد، امروز منطق مواجهه با تهدید، به طور ساختاری، چندکانونی و میان‌بخشی است. در ۴ دهه گذشته، حاکمیت از یک نظم انقلابی در حال تثبیت به یک نظم نهادمند چندلایه گذار کرده است. این گذار چند نشانه روشن دارد.

نخست در سطح حقوق اساسی؛ سیاست‌های کلی در حوزه‌های امنیت، اقتصاد، علم و فناوری، خانواده و رسانه تدوین و ابلاغ می‌شود و قوا مکلفند برنامه‌های خود را با آن همساز کنند. این سازوکار، محور راهبری کلان را مشخص و از اراده‌گرایی مقطعی جلوگیری می‌کند. نسبت رئیس‌جمهور با این محور، نسبت ترجمان و اجرایی‌سازی است، نه تغییر جایگاه محور.

تیتیر های امر وز



ایران ضمن اعلام آمادگی برای مذاکره به طرف اروپایی درباره تعلیق همکاری با آژانس در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه هشدار داد

شلیک به چشم آژانس

عدم تحقق هدف‌گذاری رشد اقتصادی در برنامه هفتم پیشرفت

اقتصاد منهای برنامه

۱۴۹ کشور از جمله انگلیس، کانادا و استرالیا کشور فلسطین را به رسمیت شناختند

انزوای اسرائیل

گزارش INSS از دستور کار رژیم صهیونیستی و آمریکا برای ادامه مسیر جنگ

سند اختاپوس ترس از مقاومت

ناتو راهبرد مقرون به‌صرفه‌ای برای مقابله با حملات ارزان مسکو ندارد

ناترازی تسلیحاتی غرب در برابر بهیادهای روسیه

نگاه سارا ا عبد الکریمی

هفته گذشته، بهیادهای ارزان قیمت روسی ساخته شده از چوب و فوم، حریم هوایی لهستان را نفوذ کردند و توسط سیستم‌های تسلیحاتی چند میلیون دلاری سرنگون شدند. این اتفاق، عدم آمادگی ناتو برای چنین تهدیداتی را برجسته کرد. «ولریکه فرانک» همکار ارشد سیاست در شورای اروپایی روابط خارجی گفت: روز چهارشنبه حداقل ۱۹ پهپاد به حریم هوایی لهستان پرواز کردند که نشان‌دهنده یک «آزمون سیاسی و نظامی» از سوی روسیه بود. این بسیار خوب است که لهستان این پهپادها را شناسایی و سرنگون کرد اما اقدام ناتو به مراتب کمتر از پاسخ معمول اوکراین مؤثر بود. این اتحادیه تنها ۲ پهپاد را سرنگون کرد، در حالی که کی‌یف معمولاً ادعا می‌کند نرخ رهگیری و انهدام آن بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است.

فرانک افزود: بین تجهیزات کم‌هزینه روسیه و پاسخ هرزپنه نظامی ناتو ناهمخوانی وجود دارد: «قرار است چه کار کنیم، هر بار ۱۶۶ و ۳۵۴ بفرستیم؟ ما باید خود را بهتر به سیستم‌های ضدپهپاد مجهز کنیم».

به گزارش «ولت» (نشریه خاواهر پلیتیکو)، ۵ پهپاد در مسیر پروازی مستقیم به سمت یک پایگاه ناتو بودند که توسط جنگنده‌های ۳۵۴ هلند ساخت شرکت «لاک‌هید مارتین» رهگیری شدند. گزارش شده یک هواپیمای سوخت‌رسان ناتو، یک هواپیمای شناسایی ایتالیا و یک سیستم پدافند هوایی پاتریوت آلمان نیز در این عملیات مشارکت داشتند؛ اما یعنی میلیاردها دلار تجهیزات برای مقابله با پهپادهای ارزان قیمت «زیررأی» روسیه که کبی‌هایی از پهپادهای «شاهد» ایران هستند و هزینه تولید هر یک کمتر از ۱۰۰۰۰ دلار برآورد می‌شود. این نفوذ کم‌هزینه همچنین واکنشی در سطح بسیار بالا را برانگیخت. لهستان ماده ۴ ناتو را فعال کرد که مستلزم گرد همایی اعضای ائتلاف برای مذاکرات فوری است. لهستان و لتونی هر ۲ حریم هوایی شرقی خود را بستند و ناتو طبق گزارش‌ها در حال بررسی «اقدامات دفاعی» است. روز چهارشنبه، «جان هیلی» وزیر دفاع بریتانیا اعلام کرد از مقامات ارشد نظامی خواهد پرسید لندن چگونه می‌تواند به تقویت پدافند هوایی ناتو بر فراز لهستان کمک کند. اوکراین نیز پیشنهاد کمک داده است. یک مقام ناتو – که خواست نامش فاش نشود– گفت: «لهستان درخواست حمایت کرده است، از جمله نظارت نزدیک مستمر، نظارت و پایش اطلاعاتی – شناسایی بیشتر و دفاع هوایی کارآمدتر».

ادامه در صفحه ۲